

برتری تصویر فتحعلی شاه در موزه لوور

الهه پنجه‌بانی

چکیده

فتحعلی شاه در دوره فرمانروایی اش به علت علاقه به نگارگری ایران، به احیا و رونق مجدد آن پس از عصر صفویان پرداخت و سبک جدیدی از نقاشی در دوره قاجار پدید آمد که شالوده آن در دوره زندیه ریخته شده بود. تصویرهای زیادی از فتحعلی شاه قاجار با این سبک نقاشی به جا مانده است. در کتاب رسمی موزه لوور، «سرزمین لوور»، که چندماه پیش (۲ ژوئن ۲۰۰۸/۱۳ خرداد ۱۳۸۷) به چاپ رسیده است، تصویر فتحعلی شاه قاجار برترین تصویر موزه لوور معرفی شده است. هدف این مقاله معرفی و شناخت نقاشی قاجار و هنرمندان آن و بررسی علل انتخاب فتحعلی شاه قاجار است.

مقدمه

فتحعلی شاه قاجار دومین شاه قاجار بود که در سال ۱۲۱۲ ق جانشینی آغامحمدخان قاجار به او رسید و تحت حمایت وی پیکر سازی تجدید حیات یافت و شکوفا شد. وی میل زیادی به نقش صورت خود و مجالس بر روی تابلوها و دیوارها داشت و به علت خود پسندی و غرور، باعث شد نگارگری به سمت تک چهره سازی و پیکره نگاری سوق یابد. نقاشی در این دوران کاملاً جنبه درباری داشته و در دوران سلطنت وی بیشتر از هر دورانی شاه به عنوان موضوع اصلی مورد توجه قرار گرفته است و نقاشان دربار هر کدام بارها صورت فتحعلی شاه را با حالت‌های مختلف موضوع نقاشی‌های خود قرار داده اند. تک چهره‌های متنوعی از فتحعلی شاه در کاخ گلستان تهران، دو تصویر در موزه ارمیتاژ لنینگراد، دو تصویر در تالار یاد بود و ویکتوریا در کلکته و تصویری در موزه ورسای قرار دارد. این دوره به دلیل جنگ‌های ناپلئونی (ناپلئون در صدد اجرای طرح‌هایی در هند بود) و تجاوز روس‌ها به شمال ایران، دوره فعالیت‌های گرم دیپلماتیک بود. انگلستان در صدد بود تا ایران در اختیار طرح‌های ناپلئون و یا تزار روسیه قرار نگیرد. شاه ایران در بین رقابت هیئت‌ها و سفرای مختلف فرنگی حیران بود ولی هدایای نفیس آنها را با روی گشاده می‌پذیرفت و تک چهره خود را بدون درنگ یا درخواست توزیع می‌کرد. تک چهره نگارستان احتمالاً همان است که به جرج سوم، پادشاه انگلستان تقدیم شد و ورود آن به لندن نیز گزارش شده ولی دیگر در مجموعه سلطنتی راه پیدا نکرد. تک چهره ورسای به ناپلئون تقدیم شد، تک چهره‌هایی که در لنینگراد است به تزار ارسال گشت و تک چهره کلکته هم احتمالاً به امرای سند تقدیم شده و پس از جنگ سند در سال ۱۸۴۳ م به کلکته آورده شده است. به گفته ب. ورا باینسون (ص ۸۸) تک چهره دیگری نیز در موزه لوور قرار دارد. هفته نامه «تایم» نوشته است: به تازگی کتابی در مورد موزه لوور چاپ شده که به انتخاب مرد وزن برترین موزه در میان آثار هنری پرداخته است، به گونه‌ای که مونالیزا به عنوان زن برتر لوور و در میان مردان پادشاه ایران با ریش‌های بلند و کت طلایی به عنوان آقای لوور برگزیده شده است. (www.tabnak.com)

نقاشی و چهره نگاری دوره قاجار

رای مؤلفان کتاب در مورد تصویر مردان موزه لوور به فتحعلی شاه تعلق گرفته که با ریشی بلند و سیاه، تاجی جواهر نشان، بازوبند، میج بند و کمربندی همه پوشیده از نگین تکیه زده بر تخت شاهی و پشت به پنجره ای با آسمانی آبی تصویر شده است. نقاشی مربوط به قرن سیزدهم هجری است، اما نقاش آن مشخص نیست. نقاشی ایرانی در دوره قاجار فراز و نشیب‌های گوناگونی را پشت سر گذاشت. از یک سو نقاشی قاجاری ریشه در سنت‌های نقاشی دوران قبل مانند صفویه و به خصوص زندیه داشت و از سوی دیگر آشنایی بیشتر با نقاشی اروپایی نقاشی این دوره را تحت تأثیر قرارداد. نقاشی در این دوران تلفیقی از نگارگری و نقاشی اروپایی بود که تعدادی از نقاشان معروف تهران به



دستور فتحعلی‌شاه در اندازه‌های بزرگ برای نصب در کاخ‌های جدید اجرا می‌کردند. در این دوره نقاشی به صورت کتاب آرایبی تضعیف گردید و بیکره نگاری و تک چهره نگاری با گرایش به طبیعت پردازی غربی تقویت شد. در میان شاهان و شاهزادگان قاجاری از فتحعلی‌شاه نقاشی‌های زیادی به جای مانده است که او را در حالت‌ها و جامه‌های گوناگون و نشسته بر زمین یا تکیه داده بر تخت پادشاهی نشان می‌دهد. گرچه در دوران قاجار نقاشی به خصوص در تصویر کردن اشیای پیش می‌رفت اما در چهره پردازی‌ها به خصوص چهره نگاری‌های به جای مانده از فتحعلی‌شاه نقش‌های انسانی کمتر واقع‌گرایانه و بیشتر ایده آلیستی و به منظور ایجاد تأثیر دلخواه بر بیننده تصویر می‌شود. در هر حال

مؤلفان کتاب «سرزمین لوور» لقب آقای موزه لوور را به او اهدا کرده‌اند؛ موزه ای که طبق آمارها در سال گذشته حدود هشت میلیون و سیصد هزار نفر بازدید کننده داشته است.

(www.afra22.blogfa.com; www.brush.blogfa.com)

نقاشان دوره قاجار

نماینده شاخص هنر قاجار سبک منحصر به فرد نقاشان آن در عرصه چهره نگاری است و به دلیل مرادفات حاکمان قاجار با اروپا، هنر نقاشی ایرانی نیز به مانند بسیاری دیگر از شاخه‌های فرهنگی، از اروپا تأثیر گرفت. علاقه به هنر اروپایی در بین خاندان حکومتی و خانواده‌های تجار سبب شد تا هنرمندان نیز بنا به میل و سلیقه آنها تحت تأثیر هنر اروپایی کار کنند. اروپا در زمان حکومت قاجار در حال تجربه رئالیسم بود. این شیوه در آثار نقاشان ایرانی رسوخ کرد و سبب شد تا تابلوهای رنگ و روغن بسیاری به شیوه واقعیت‌گرایی خلق شوند. تصاویر متعددی از درباریان وجود دارد؛ کسانی که احتمالاً هنرمندان نقاش را به شوق نقش تصویر خود به صورت تگری و می‌داشتند. از این روست که می‌بینیم نقاشی‌های بازمانده کاملاً در تسلط افراد درباری است. نقاشان عهد قاجار به تبعیت از استادان نادیده اروپایی خود از رنگ‌های تیره با خلوص رنگی بالا استفاده می‌کردند. چهره نگاری هنرمورد علاقه شاهان قاجار و اشراف زادگان بود. چهره نگاران قاجار به فرمول مشخصی در خلق آثار خود رسیده بودند. مردان با ریش بلند و سیاه و زنان با چهره بیضی و ابروان پیوسته و چشمان سرمه کشیده و انگشتان حنا بسته در حالتی مخمور به تصویر درآمده‌اند. لباس‌های زربفت و مروارید نشان و مملو از جواهر و زینت‌ها، تاج، کلاه و سلاح پوشیده از سنگ‌های قیمتی و نقش‌های فاخر در تمامی آثار دیده می‌شود و افراد را با درجه اجتماعی‌شان به مخاطب معرفی می‌کند. (ر.ک: پاکباز، «نقاشی ایران»، ص ۱۵۱) اغلب پادشاهان قاجار و افراد وابسته حداقل یک تابلوی چهره از خود برای استفاده در اماکن عمومی یا خانه‌های شخصی خود داشتند. فتحعلی‌شاه از جمله کسانی بود که نقاشان بسیاری را برای ترسیم چهره خود به کارگمارد. کمر باریک، ریش بلند و سیاه و چشمانی فرو رفته، چهره ای رماتیکی از این حکمران شرقی به نمایش می‌گذارد. چهره‌های بسیاری از این شاه قاجار در حال حمل اسلحه و یا بوییدن گل وجود دارد. تعدد ترسیم چهره شاه و اشراف سبب شد تا شیوه منحصر به فردی در قلمرو هنر نقاشی چهره در عهد قاجار متولد شود. آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی و ریشه‌های کمرنگ نگارگری سنتی ایران در ترسیم چهره‌ها به چشم می‌خورد. گرچه نقاشی قاجار تأثیرپذیری بسیاری از مکاتب اروپایی داشت اما در ادامه راه با ذوق و قریحه هنرمندان و ریشه‌های عمیق تمدن

ایران، سیمای شرقی خود را باز یافت و نوآوری‌های چشمگیری در آن پدیدار گشت. از میان نمایندگان چهره نگاری دربار باید از شاخص‌ترین آنها یعنی میرزاابا و مهرعلی نام برد. نخستین نقاش درباری قاجار میرزاابا بود که قبل از به قدرت رسیدن قاجار در استرآباد در خدمت آنها بود. وی در شبیه سازی و چهره پردازی دقیق و خوش قلم و در ارائه مجالس بزمی به نهایت ماهر بود. وی توانایی این را داشت که حرکات دورانی و پیچیده اسب سواران و اسب‌هایشان را با حوصله و دقت تمام رسم کند. علاوه بر این به کار نقاشی زیر لاک، تذهیب و مصورسازی کتاب نیز می‌پرداخت. او در تزیینات جواهرات و گل آرایی پارچه‌ها و زینت آلات شخص فتحعلی‌شاه مهارت فوق‌العاده‌ای به کار می‌برد. چندین نقاشی رنگ روغن بزرگ از او از اوایل سلطنت فتحعلی‌شاه در دست است که به کمپانی هند شرقی تقدیم شده و امروزه در اداره روابط کشورهای مشترک المنافع است. در اینجا می‌بایست از نسخه درخشان دیوان خود فتحعلی‌شاه نام برد که به عنوان هدیه به پرنس ریجنت ارسال شد و امروزه در کتابخانه سلطنتی قصر وینزور محفوظ است. این نسخه جزو اندک نسخه‌هایی است که از آن زمان باقی مانده‌اند. این نسخه نفیس با نقاشی زیر لاک بر دو سطح بیرونی جلد نقاشی شده است. (ر. دلبلیو فریه، ص ۲۲۸) از آثار دیگر او دوناگاره تک چهره‌ای عالی از فتحعلی‌شاه و آغا محمد خان است.

مهرعلی از نظر شهرت پس از میرزاابا، ولی از حیث تکنیک هنری با او برابر بود. او از برجسته‌ترین نقاشان دربار فتحعلی‌شاه به شمار می‌آید. او اکثر پیکره‌های ایستاده و نشسته فتحعلی‌شاه را رقم زده که نشان دهنده توفیق زیاد او در نمایش جلال و جبروت شاهانه است. از جمله علایم متمایز کارهایش ظرافت طراحی، و سواس در رنگ‌گزینی و استادی در اجرای کتابت است. او نام خود را به صورت نستعلیق کتابت و نام فتحعلی‌شاه را در ترکیب بندی طغریایی به زیبایی به کار می‌برد. پس از میرزاابا او سمت نقاش باشی دربار را داشت. سر ویلیام اوزلی او را نقاش زبردستی می‌خواند که یک رشته تک چهره‌های زیبا از فتحعلی‌شاه خلق کرده است. یکی از مهم‌ترین آنها و شاید هم با شکوه‌ترینشان، پرده نقاشی رنگ و روغنی است که سابقاً در مجموعه عامری (AMERY) و امروزه در موزه نگارستان تهران قرار دارد. در این پرده نقاشی شاه با تاجی بر سر (تکسی بر این تاج را با تاج هخامنشی مقایسه کرده است) و ردای بلندی با حواشی گل‌دوزی زرین و چوب‌دستی جواهرنشانی در دست که در رأس آن پیکره هدیه‌دهی دیده می‌شود یعنی خرد و دانش حضرت سلیمان، نقاشی شده است. از آثار متأخر مهرعلی چیزی باقی نمانده است. (هو. رابینسون، صص ۷۸۷-۷۸۸) مهرعلی در زمینه نقاشی پشت شیشه نیز مهارت داشت. چندین تک چهره استادانه از فتحعلی‌شاه قاجار و درباریان اثر مهرعلی وجود دارد. (ر. ک: پاکباز، ص ۱۵۳)

چهره نگاری از فتحعلی‌شاه قاجار

هنر چهره نگاری مکتب قاجار را می‌توان هنری دید که هنوز برای حفظ سنت‌های گذشته تلاش می‌کند، ولی روح تنوع طلب را در ادغام با هنر اروپایی می‌بیند. در این نوع نقاشی به اصول نابی می‌رسیم که در دوره‌های گذشته کار نشده و در دوره‌های آینده نیز برای حفظ آن تلاشی صورت نگرفت. تحت حمایت ذوق هنری فتحعلی‌شاه نوع جدیدی از بیان در نقاشی ایران شکوفا شد. شاه قاجار در نقاشی‌ها همواره با هیبت شاهانه و با جامه‌ای فاخر و پر از تالو و جواهر نشان تصویر شده است. در تمامی تصاویر مربوط به فتحعلی‌شاه قاجار قراردادهای هنری این سبک رعایت شده است و شاه با ابروانی پیوسته، چشمانی درشت و سیاه، نگاهی خیره و بی‌اعتنا، بینی باریک و نوک تیز، دهانی کوچک و ریش بلند و سیاه، کمر باریک و اندام و دست‌هایی ظریف نقاشی شده است. در کنار این قراردادهای هنری چهره نگاری، قراردادهایی برای پیکره نگاری نیز به چشم می‌خورد، که در آن نمادهای معنایی برای نشان دادن شکوه و جلال و هیبت شاهانه استفاده شده است؛ مانند پرند جواهر نشان نماد خرد و دانش، شمشیر جواهر نشان نماد جنگ‌جویی و شجاعت و تخت شاهی جواهر نشان که نماد شکوه و اقتدار است. شاه همواره ایستاده یا نشسته با لباسی مملو از جواهر و نقش‌های دلپذیر، با دستی بر شال کمر یا قبضه خنجر است. در هیچ یک از تصاویری که از فتحعلی‌شاه موجود است، گذر عمر و نشانی از پیری به چشم نمی‌خورد. کوششی نیز برای نشان دادن خصوصیات فردی به کار نمی‌رود. در این تصاویر، شبیه‌سازی همواره فدای میثاق‌های زیبایی جلال و ظاهر می‌شود. در اثر سرراپرت کرپرتر (۱۸۱۷م) شباهت بسیار کمی با نقاشی‌های مرقوم میرزاابا و مهرعلی دیده می‌شود. تصاویر دیگر چهره واقعی و تا حدودی خشن فتحعلی‌شاه است که در تصاویر میرزاابا و مهرعلی که هر دو با عنوان نقاش باشی دربار قاجار فعالیت می‌کردند، به مرور این خشونت جای خود را به ظرافت می‌دهد. هر دوی این نقاشان از نقاشان برجسته دربار بوده و فتحعلی‌شاه را با چهره‌ای شاهوار و اندامی به اندازه طبیعی و جامه و جواهری بیرون از حد تصور در حالات گوناگون بارها به تصویر کشیده‌اند. در آثار میرزاابا چهره خشونت بیشتری دارد و به تصویر واقعی نزدیک‌تر است. تقسیم بندی‌ها ظریف‌تر و نقش‌های لباس و جواهرات و جزئیات با حوصله و دقت



آینه خیال





ستاره نهان که ره بر یقین
دگر شکر شردل خرم ماند
آنگوشی در آینه سر آمد فریق
هر دو بر جهان آینه بران نمود
روانش نه دود و تو تن جان
بر سینه او گرفت نام تو
آنگوشی که بس زه از زلفا
در حوی شب تر و کلام تو



تمام خلق شده است که احتمالاً به علت مهارت در مصورسازی کتاب است، و هنوز وفاداری به ریشه‌های هنر زنده و صفویه در نقاشی‌های او دیده می‌شود. در صورتی که در نقاشی کسوت شاهانه اثر مهرعلی ظرافت چهره و اندام و تاج و شمشیر با زیبایی بیشتری خلق شده و بیشتر از تصویر میرزاابا با حالت باسمه ای پیدا کرده است. در تصاویر میرزاابا، چین و شکن پرده و لباس بسیار طبیعی‌تر و اروپایی‌تر از تصاویر مهرعلی است. البته نقاشی‌های انتهای عمر میرزاابا از حالت طبیعت پردازی دور شده ولی هنوز از تصاویر مهرعلی خشن‌تر است. با این حال می‌توان آثار مهرعلی را ادامه راه استاد دانست ولی با قلمی لطیف‌تر. همچنین در تصاویر مهرعلی نقاشی تالو بسیار داشته و شباهت به نقاشی پشت شیشه پیدا کرده است. مهرعلی به طور حتم از شاگردان میرزاابا بود و پس از او به مقام نقاشی باشی دربار رسید، ولی به یقین تأثیر هنر اروپایی رایشتر از میرزاابا با ذوق و قریحه نگارگری ایرانی تلفیق کرده و به نوآوری‌های چشمگیری دست یافته و تصویرمانتیکی از این حکمران شرقی خلق کرده است. بر اساس الگوهای تصویری مشخص استفاده از رنگ‌های درخشان و پرتالو طلایی که در آثار مهرعلی موجود است می‌توان حدس زد که تصویر موجود در موزه لوور کار مهرعلی است.

یکی دیگر از نکات جالب چهره نگاری فتحعلی شاه قاجار، جوان نشان دادن شاه قاجار است که در تمامی نقاشی‌های دوره‌های مختلف قاجار به نوعی بر جاودانگی شاه تأکید می‌کند. رسیدن به این الگوهای تصویری بدون شک نشان دهنده اعمال نظر خود شاه در چهره نگاری است. در چهره نگاری از فتحعلی شاه شاهد دو تعبیر متفاوت از تصویر پردازی شاهانه و شیوه هنرمندانه متمایز در سبکی واحد هستیم، که شاه رادر شوکتی شاهانه و کاملاً شرقی نشان می‌دهد. همچنین به لحاظ تکنیک، اندازه و سبک ادامه سنتی است که در زمان فرمانروایی خاندان زندیه در ایران شکوفا شد. انتخاب تصویر شاه قاجار در موزه لوور نشان دهنده نوآوری هنر نقاشی چهره در جامعه هنری آن زمان است.

نتیجه گیری

نقاشی دوره قاجار هنر درخشانی است که بر چهره نگاری و پیکره نگاری استوار است و با اینکه در ابتدا از هنر رئالیسم اروپایی و تکنیک رنگ و روغن تأثیر بسیار گرفت اما به مرور توانست این ابداعات جدید را با سنت‌های شرقی گذشته ترکیب و هنری بدیع و جاودانه خلق کند. متأسفانه در دوره‌های بعدی به خوبی دوره فتحعلی شاه قاجار از این سبک حمایت نشد. شاه دوم قاجار، حال یا به دلیل خودخواهی یا علاقه به تصویر خود، ناخودآگاه در نقاشی دوره قاجار نقش مهمی بازی کرد. تکرار تصویر شاه قاجار به دفعات بسیار توسط نقاشان دربار و ارسال آن به دیگر نقاط جهان سبب آشنایی کشورهای دیگر با این سبک نوین نگارگری ایران گشت و در نهایت منجر به انتخاب آن از بین هزاران تصویر شاهزادگان کشورهای مختلف در «سرزمین لوور» شد.

هنر قاجار دارای شاخصه‌های متفاوت زیر نسبت به دوره‌های گذشته است:

- ۱- پرداختن به موضوعات سنتی گذشته در قالبی جدید
- ۲- تلفیق ذهنیت نگارگری ایران با تکنیک اروپایی
- ۳- پرداختن به تزئینات و تجمل و نشان دادن زندگی درباری
- ۴- پرداختن به موضوع واحد فتحعلی شاه، با الگوهای مشخص چهره در تصاویر متعدد
- ۵- استفاده از الگوهای ثابت برای نشان دادن شکوه و اقتدار، مانند پرنده جواهر نشان، عصای مرصع، شمشیر، تاج و...
- ۶- عدم رعایت واقع‌نمایی در تصاویر انسانی
- ۷- رسیدن به الگویی واحد و جوان با توجه به شخصیت پردازی بدون شباهت سازی
- ۸- ارائه تابلوهایی با ابعاد بزرگ انسانی
- ۹- استفاده از تزئینات بسیار و پرداختن به درخشندگی جواهرات
- ۱۰- رسیدن به تک چهره سازی و پیکرنگاری متفاوت از دوره‌های گذشته با محوریت انسان و بیشتر شاه.

منابع

- رایبسون، ب.، «هنر نگارگری ایران»، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، ۱۳۷۶
 پاکباز، روبین، «نقاشی ایران از دیرباز تا امروز»، نشر نارستان، ۱۳۷۹
 پوپ، آرتور ایهام، «سیرو صور نقاشی ایران»، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، ۱۳۷۸
 فریه، ر. دبلیو، «هنرهای ایران»، ترجمه پرویز مرزبان، ۱۳۷۴